

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران، میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۱۲۰۵۰۹۷صَفحه ۸۸۹۲۵۶۶۷ تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

# شترت

چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ • ۲ ذی‌القعده ۱۴۴۶ • ۳۰ آوریل ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۰۹۷ • ۱۲صفحه

اذان ظهرتهران ۱۲:۰۲ • اذان مغرب ۱۹:۰۹ • اذان صبح فردا ۳:۳۹ • طلوع آفتاب ۵:۱۲

www.sharghdaily.com

aparāt:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

سوغ‌خوانی

برای درگذشت ناپهنگام روزبه کیانیان

(مدیر بخش نشر چشمه)

در رثای پسر مهربان

صنعت نشر ایران

حمیدرضا شعبانی

روزبه کیانیان، مدیر بخش چشمه را از نزدیکی می‌شناختم. گو اینکه دوستی من با خانواده نشر چشمه، در مقدمه با پدر خانواده، حسن کیانیان، برقرار شد و استمرار یافت. ولی در سال‌های اخیر، بیشترین دیدار با گفت‌وگوهای کاری و غیرکاری با دو نفر از فرزندان خانواده، کاوه و روزبه، بود. این ویژگی خانوادگی بودن نشر در ایران (و البته در جهان) به گمان من تنها موهبت باقی‌مانده در فرآیند صنعتی شدن و پراکندگی جسم و جان آدم‌ها در دنیاست؛ زیرا هنوز آشکارا متضمن انتقال فرهنگ و تمام طرایف فرهنگی از نسلی به نسل دیگر است.

اما روزبه خلق‌وخی عجیبی داشت. به رغم اِشرف و دانایی و هوش سرشارش، زبان و کلام و نگاهش کودک‌سان بود. یک بار در یکی از خیزهای تومری اقتصاد و افزایش ناگهانی بهای کاغذ (به گمانم در سال ۹۸ یا ۹۹) و با اینکه مدتی منتقد سفت و سخت سیاست‌های انحصاری خانواده چشمه بودم (و البته هنوز هستم و بحثی طولانی دارد). به او زنگ زدم و گفتم: «فلان کتاب ما در شرف تجدیدچاپ است و مرکز بخش شما بیش از نیمی از تیراژ چاپ قبلی را فروخته! من برای تهیه کاغذ و مقوای کتاب بی‌بولم! هیچ امکانی دارید که بخشی از تیراژ چاپ جدید را پیش‌خرید کنید تا با وجه آن کاغذ و مقوای کتاب را تأمین کنم؟». او با زبان مهربانی که هرگز گردوغباری نداشت، گفت: «من این پیشنهادی شما را در جلسه داخلی چشمه با رأی و رویکرد مثبت خودم مطرح می‌کنم و هفته آینده پاسخ را به شما خواهم گفت». بعد با ذکاوت و هوشیاری‌اش ادامه داد: «می‌دانم شما با انحصاری‌کردن توزیع این کتاب با سایر کتاب‌هایتان در بخش چشمه موافقت نمی‌کنید، ولی اگر شرط حمایت ما درصدا تخفیف بیشتری بود، بابت این پیش‌خرید تا چه درصدی امتیاز تخفیف بیشتر از سایرین می‌دهید؟». گفتم: «موافقت جلسه داخلی را با درصد پیشنهادی خودتان به من اعلام کنید. من مصمم به تولیدم».

راست می‌گفت: تمام تصمیمات نشر چشمه با جلسه‌ای منظم میان اعضای سهامدار خانواده و گروه مدیران نشر و بخش و کتاب‌فروشی‌ها گرفته می‌شود که این خود -تا جایی که می‌دانم- الگویی نمونه از هم‌کاری و خرد جمعی یکی از موفق‌ترین مؤسسه‌های انتشاراتی کشور است. من مطمئنم او در آن جلسه در برابر این پرسش مدیران کتاب‌فار گرفته است که چرا نباید این پول را برای کتاب‌های در دست تولید خود انتشارات هزینه کنیم؟ و حتما پاسخی داده است تا گروه را قانع کند که خانواده نشر، جمعی بزرگ‌تر از حساب‌های بانکی هستند.

امروز که خشونت زیر پوست جامعه را می‌بینم یا شاهدم که چگونه تعارض و تضاد منافع میان ناشران، کتاب‌فروشان و فروشنندگان مجازی کتاب در صنعت نشر ایران، با کوچک شدن سفته‌افزایی اقتصادی مردم به بحران‌هایی اخلاقی و صنفی، فارغ از توان تدبیر و حل‌وفصل مدیران فرهنگی یا صنفی تبدیل شده است، روزبه کیانیان برای من تجسم همیشگی و بی‌نظیر این گفته اسکات فیتز جرال‌د باقی خواهد ماند که: «مهربانسی، از مُحق بودن مهم‌تر است».

یاد و خاطره‌اش گرامی.



این چه زاری است که هررای بهار با غزالی دل ما می‌آید

<span><b>میرزا حکیم‌حسین‌کسری</b></span>
<div>چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت ساعت ۱۲:۰۵ قهعه ۸۱</div>
<div>میرزا باهنود</div>
<div>میرزا تقی‌محمدنور</div>
<div>پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت ساعت ۱۲:۰۳</div>
<div>رویداد روزانهٔ خبری و تصویری در شبکه‌های اجتماعی و وبسایت رسمی</div>
<div>میرزا حکیم‌حسین‌کسری در جریان نشست خبری بعد از مراسم گرامیداشت آرش در تهران</div>
<div>گزارش تصویری از مراسم گرامیداشت آرش</div>

در روزهای اخیر، هم‌زمان با فاجعه تلخ آتش‌سوزی در بندر شهید رجایی و داغدارشدن جمعی از مردم هرمزگان، شاهد همدردی تعدادی از هم‌وطنان در سراسر کشور بودیم. شروع این همدردی از بوشهر بود که با پایان زود هنگام فستیوال کوچ‌به همین مناسبت، سنج و دمام‌های عزاداری را به صدا درآوردند و رخت ماتم پوشیدند، در ادامه نیز شاهد گسترش این عزاداری همدردانه در سراسر کشور بودیم. پس از آن برخی کوشیدند تا به بهانه‌های مختلف، از اهمیت این سوگواری همگانی بکاهند.

از منظر روان‌شناسی اجتماعی، سوگواری دسته‌جمعی در کاهش بار روانی مصیبت، اهمیت فراوان دارد. در این سوگواری دسته‌جمعی، هم‌وطنان از سراسر کشور هیجانان درناک خود را با مردم هرمزگان به اشتراک گذاشتند و بدین وسیله باعث کاهش احساس «تنهایی در رنج» آنها شدند.

مصیبت معمولاً باعث احساس گسست یا بی‌پناهی افراد می‌شود. حضور هم‌وطنان از سراسر کشور در این سوگواری، تعلق به کشور و حمایت اجتماعی را گوشزد کرد که عامل قوی در تاب‌آوری روانی افراد در هنگام بروز مصیبت است. پژوهش‌های روان‌شناسی نشان داده‌اند که همدردی جمعی می‌تواند مراحل سوگواری همانند «پذیرش واقعیت فقدان» و «تجربه درد سوگ» را تسهیل کند.

بنابراین می‌توان گفت که سوگواری ملی ایرانیان در وقایع فاجعه‌آمیز همانند آنچه در هرمزگان رخ داده است، نقش مهمی در کاهش بار روانی مصیبت‌دیدگان دارد. اشتراک‌گذاری هیجانان



یونس قیصی‌زاده

دردناک با دیگران، احساس تنهایی را کاهش داده و تخلیه هیجانی را تسهیل می‌کند. حضور فیزیکی با مجازی در این سوگواری، احساس تعلق و حمایت اجتماعی را تقویت کرده و به افراد کمک می‌کند تا به تجربه رنج خود معنا ببخشند. این فرآیند، مراحل طبیعی سوگواری را تسریع می‌کند و تاب‌آوری روانی را افزایش می‌دهد. از منظر روان‌شناسی اجتماعی، آیین‌ها و مناسک جمعی سوگ، یکی از ابزارهای اساسی در کمک به بازسازی روانی پس از فقدان به شمار می‌روند.

از طرفی سوگواری دسته‌جمعی و ملی فراتر از تسکین آلام فردی، صحنه‌ای برای بازآفرینی هویت ملی و استحکام انسجام اجتماعی است. همان‌گونه که «دورکیم» (جامعه‌شناس) باور داشت، در لحظات سوگ، افراد از خویشترن فردی، فراتر می‌روند و در وجدان جمعی ادغام می‌شوند؛ همان‌گونه که «اندرسون» (نظریه‌پرداز هویت ملی) نشان داد، آیین‌های عمومی، ملت‌ها را به مثابه اجتماع‌هایی



نوشتن یادگاری روی بناهای تاریخی یک اقدام مخرب است که افزون بر آسیب بصری، به ساختار اصلی آن‌ها نیز خدشه وارد می‌کند. مواد شیمیایی موجود در رنگ‌ها می‌توانند موجب فرسایش تدریجی آثار شوند و هویت فرهنگی آن‌ها را خدشه‌دار کنند. چنین رفتارهایی جرم محسوب می‌شود و طبق قانون مجازات اسلامی، امکان حبس تا ده سال برای مرتکبان آن وجود دارد. عکس:رسول شجاعی‌ایرنا

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparāt:tasvirshargh

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

## عزاداری ملی برای هرمزگان

التیام بخشیدن زخم‌ها و تقویت همبستگی ملی

زنده و حس‌پذیر مجسم می‌کند. در سوگواری مشترک و ملی، خاطره‌های ملی جان می‌گیرند، پیوندهای اجتماعی احیا می‌شوند و در تاوربود آندوه، امیدی جمعی برای تداوم و بقا تنیده می‌شود. مصیبت‌ها، اگر در آغوش جمعی تجربه شوند، به جای گسستن، ملت‌ها را به هم نزدیک‌تر می‌کنند.

در مجموع، سوگواری دسته‌جمعی در مواجهه با فنجابع ملی نه‌تنها در کاهش آلام فردی مصیبت‌دیدگان مؤثر است، بلکه نقشی بنیادین در تحکیم هویت ملی و تقویت انسجام اجتماعی ایفا می‌کند. در سایه سوگواری‌های دسته‌جمعی، ملت‌ها از دل اندوه‌ها برمی‌خیزند و پیوندهایشان را استوارتر از پیش می‌سازند. همدردی گسترده مردم ایران با داغداران حادثه بندر شهید رجایی، نمونه‌ای روشن از کارکرد روانی و اجتماعی مناسک جمعی سوگ است. این آیین‌ها با تخفیف رنج‌های فردی، بازآفرینی خاطره‌های ملی و یادآوری پیوندهای مشترک، جامعه را در برابر بحران‌ها مقاوم‌تر و یکپارچه‌تر می‌کند.

همدلی ملی ایرانیان با داغ‌دیدگان فاجعه بندر شهید رجایی، جلوه‌ای باشکوه از روح جمعی و پیوند ناگسستنی این سرزمین است. در سایه چنین همبستگی‌هایی، رنج‌ها به نیرویی برای تداوم حیات جمعی بدل می‌شوند. در نطنین سنج و دمام‌های عزاداری، در اشک‌های مشترک و ماتم‌های همگانی، نه‌تنها زخم‌ها را التیام می‌بخشیم، بلکه بر بستر سوگ، بنای استوارتری از هویت و همبستگی ملی خود برمی‌افزاییم.

حقوق خوانی

## بیم‌زنان و امید مردان به بازنگری دوباره در قوانین مهریه

و انقلاب» به همراه بسیاری از بخش‌نامه‌های رئیس قوه قضائیه و رویه‌های قضائی. در زمانی که سکه ۱۰ میلیون تومان ارزش داشت، محاکم برای پرداخت هر سکه به زوج هشت ماه مهلت می‌دادند. مهلتی که با تقدیم دادخواست اعسار (تقسیط) با توجه به میزان تورم قابل افزایش است. از سوی دیگر، «مستثنیات دین» (بخشی از دارایی که برای حداقل زندگی زوج نیاز است مانند یک خانه متعارف، یک خودرو، لوازم کار و…) قابلیت توقیف ندارد.

در جامعه ما گاهی مهریه جنبه نمادین پیدا کرده و برای رعایت شرع که در قانون نیز منعکس شده است، تعداد یک یا پنج عدد سکه بین زوجین توافق می‌شود و در مقابل، حقوقی مانند طلاق و حضانت به زنان تعلق می‌گیرد. هم دختران با توجه به عدم امکان وصول مهریه (که در عمل سررایی بیش نیست و تجربه نشان می‌دهد گرفتن حتی یک سکه حدود یک سال زمان می‌برد) روی آن حساب باز نمی‌کنند و هم حق انتخاب در جدایی را به دست می‌آورند. همان‌گونه که در شروع زندگی، حق انتخاب را دارا بودند. جوانان امروزی بدون نیاز به اصلاح قانون، در عمل همین روش را پیش گرفته‌اند و با تعیین مهریه‌ای ناچیز و شرط‌کردن حق طلاق یا دیگر حقوق برابر برای زوج در شروط ضمن عقد، نظام حقوقی مورد تأیید خود را حاکم می‌کنند.

شاید محدودکردن و نمادین‌شدن مهریه با این سازوکار، هم به نفع زنان و هم مردان باشد. به سود مردان است چون تعهد سنگین مالی را که در حقیقت توان ایفای آن را ندارند نمی‌پذیرند، و به نفع زنان است که از آغاز روی تضمین ظاهری مهریه که وصول حتی بخشی از آن بعید است، حساب باز نمی‌کنند. با این آگاهی وارد زندگی مشترک شده و در عوض با گرفتن حق طلاق، تحصیل، خروع، حضانت و… در شرایط به نسبت برابری قرار می‌گیرند. در این صورت دیگر پیشنهادهایی مانند تعیین سقف یا وضع مالیات بر مهریه که به پیوند آسمانی زناشویی، جنبه مادی و مالی می‌دهند و شبیه ذهنیت طراحان مصوبه جدید حجاب است، نیاز به طرح ندارد.

## ۶۰ میلیارد یورو

مدیرعامل شرکت پالایش و پخش در گفت‌وگویی با مهر درباره توقف ساخت پروژه پتروپالایشگاه شهید سلیمانی خیر داد و گفت مشخص‌نبودن پشتوانه سهامداران و سرمایه‌گذاران طرح پتروپالایشگاه شهید سلیمانی از ابتدا مورد ابهام بوده است. اما سخنان این مسئول ابعاد دیگری به خود می‌گیرد وقتی اعلام کرد حدود ۶۰ میلیارد یورو طرح پالایشی تعریف شده که سه تا چهار مورد از آنها، پتروپالایشگاه ۳۰۰ هزار بشکه‌ای بوده‌اند و با وجود سرمایه‌گذاری ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار در این طرح‌ها، پیشرفت اغلب آنها کمتر از پنج درصد است.

## ۸۰ سال

در آستانه برگزاری مراسم رسمی گرامیداشت آزادسازی اردوگاه کار اجباری داخائو، پیامی که در داخل این اردوگاه نوشته شده و برای بیش از ۸۰ سال پنهان مانده بود کشف شد. در طول جنگ جهانی دوم، زندانیان در اردوگاه‌های کار اجباری در اروپای مرکزی و شرقی سازهای موسیقی می‌ساختند که شماری از این آلات موسیقی هنوز پس از دهه‌ها باقی‌مانده‌اند. یکی از این آلات موسیقی ساخته‌شده در این اردوگاه‌ها، ویولون کمپاست که در سال ۱۹۴۱ تولید شد اما برای دهه‌ها از نظرها پنهان مانده بود. حالا این ویولون با یادداشتی که یک زندانی در آن مخفی کرده، پیدا شده است.

شبکه‌خوانی

نقش شاهد عینی دیجیتال

در بحران‌ها

تصویر می‌لرزد. صدای نفس‌های تند و وحشت‌زده با غرش مهیب انفجار در هم می‌آمیزد. در کادر، دود سیاه غلیظی آسمان بندرعباس را می‌بلعد و شعله‌های آتش از کانتینرهای بندر شهید رجایی زبانه می‌کشند. این یکی از ده‌ها یا شاید صدها ویدئویی است که این روزها در فضای اینترنت دست‌به‌دست می‌چرخد و قلب آدمی را به درد می‌آورد. هر ویدئوی انفجار این حادثه نه‌تنها اهمیت ایمنی بنادر و ذخیره‌سازی مواد شیمیایی را برجسته کرد، بلکه نقش تحول‌آفرین محتوای خودجوش مردمی (UGC، مخفف User-Generated Content)، محتوایی مثل ویدئو یا تصویر که توسط مردم عادی و نه رسانه‌های حرفه‌ای تولید می‌شود و اهمیت شاهد عینی دیجیتال در ارتباطات مدرن را نیز نشان داد.

این بار خبری از شهروندخبرنگاری نیست. حالا شاهدان حوادث روایتگر واقعیت‌های تلخ هستند و پرده از پشت فنجابع برمی‌دارند، بدون آنکه بدانند چه کار مهمی انجام می‌دهند. زومیت در مقاله‌ای درباره شاهد عینی دیجیتال جزئیاتی را بیان کرده است. طبق این مقاله از ویژگی‌های شاهد عینی دیجیتال تهیه محتوای خودجوش است. محتوای خودجوش مردمی به هر نوع محتوایی مثل متن، تصویر، ویدئو یا صدا اشاره دارد که توسط کاربران، نه تولیدکنندگان حرفه‌ای، ایجاد می‌شود. در زمینه اخبار و رویدادها، این محتوا اغلب توسط افرادی تولید می‌شود که در محل حادثه حضور دارند و آن را در لحظه ثبت می‌کنند. این افراد، که به عنوان شاهد عینی دیجیتال شناخته می‌شوند، فیلم‌های خام و بدون فیلتر ارائه می‌دهند که دیدگاه‌های فوری و واقعی از اخبار فوری ارائه می‌کند. شاهد عینی دیجیتال اغلب بدون برنامه‌ریزی و تحت تأثیر احساسات لحظه‌ای عمل می‌کند، در حالی که مستندساز مدنی ممکن است با نیت تأثیرگذاری در سیاست‌گذاری یا افکار عمومی محتوا تولید کند.

پیامدهای ارتباطاتی: انتشار سریع محتوای خودجوش در انفجار بندرعباس چندین پیام‌کلیدی برای ارتباطات دارد:

- امکان گزارش‌دهی لحظه‌ای از رویدادها را فراهم می‌کند. اغلب قبل از بیانیه‌های رسمی یا پوشش رسانه‌ای سنتی، محتوایی که توسط شاهد عینی ایجاد می‌شود، اغلب واقعی‌تر و قابل اعتمادتر از گزارش‌های رسمی دیده می‌شود. به‌ویژه در شرایطی که ممکن است شک و تردید درباره ارتباطات دولتی یا شرکتی وجود داشته باشد. ماهیت خام و بدون فیلتر حس فوری و واقعی را منتقل می‌کند که رسانه‌های سنتی ممکن است فاقد آن باشند. علاوه بر این، محتوای خودجوش قدرت روایت‌سازی را به مردم عادی می‌دهد. از منظر جامعه‌شناسی گوشه‌های هوشمند به ابزاری برای توانمندسازی مردم تبدیل شده‌اند. به‌ویژه در جوامعی که رسانه‌های رسمی تحت کنترل یا سانسور هستند. این ابزارها به مردم اجازه دادند صدای مستقلی داشته باشند و حقیقت را از زاویه خودشان روایت کنند.

- در حالی که شاهد عینی دیجیتال می‌تواند اطلاعات ارزشمندی ارائه دهد، چالش‌هایی در زمینه تأیید وجود دارد. همه محتوای تولیدشده توسط کاربر دقیق یا قابل اعتماد است و خطر انتشار اطلاعات نادرست یا دستکاری‌شده وجود دارد. در مورد انفجار بندرعباس بی‌نظمی اطلاعاتی، با هجوم ویدئوهای بدون دسته‌بندی و تحلیل، می‌تواند به اضطراب جمعی، شایعه‌پراکنی یا سردرگمی رسانه‌ای منجر شود.

- اشتراك‌گذاری محتوای گرافیکی یا حساس سؤالات اخلاقی دربارهٔ حریم خصوصی، رضایت و پتانسیل ایجاد اضطراب بیشتر برای قربانیان و خانواده‌هایشان را مطرح می‌کند. مثلا ویدئوهایی که افراد زخمی یا پیامدهای فوری انفجار را نشان می‌دادند، ممکن است برای بینندگان، به‌ویژه کسانی که ارتباط شخصی با حادثه داشتند، بسیار ناراحت‌کننده باشد. برخی ویدئوها تصاویر افرادی که جانشان را از دست داده بودند نشان می‌داد که به این مسئله دامن می‌زند.

- در رویدادهایی مثل انفجار بندرعباس تکیه به شاهدان عینی دیجیتال نشان‌دهنده تغییر در پارادیم‌های رسانه‌ای است. رسانه‌های سنتی، صداوسیما، دیگر تنها دروازه‌بانان اطلاعات نیستند و محتواهای تولیدشده توسط مردم پس از انفجار بندرعباس نشان‌دهنده نقش محوری محتوای خودجوش مردمی در ارتباطات مدرن است. باید در نظر گرفت که این‌پدیده چالش‌هایی از جمله نیاز به تأیید، ملاحظات اخلاقی و پتانسیل درز اطلاعات نادرست را به همراه دارد و باید اطمینان حاصل کنیم که از مزایای آن استفاده می‌کنیم در حالی که ریسک‌های آن را کاهش می‌دهیم.